

کمک می کنیم تا استبداد فاسد و لوزان را رها کنید

به احزاب و جمعیت های به حاشیه رانده شده که حق مسلم آنها برای زندگی باعزت نقض و خدشه دار شده و در حوزه عمومی بحث و گفت و گو جایشان به زور غصب گردیده، به توافق های رضایت بخش روی می آورد تا از گزینه های سه گانه زیرین مقابله ترین را انتخاب کرده باشند.

۱- قدرت نمای هنگامی روی می دهد که دوسوی اختلاف و ستیز سیاسی تلاش کنند تا قدرت خود را به رخ بکشند. انکار با استراتژی قدرت معمولاً منجر به زور مداری متقابل و در نهایت از بین رفتن منافع هر دو گروه متخاصم می شود.

۲- اثبات حقایقت، یعنی طرفین می کشند خود را بر حق و حریف را باطل معرفی کنند. خاطرات و افسانه های مربوط به درگیری های گذشته تکرار می شود تا ردالتها گروه مخالف زیر ذره بین نشان داده شود.

۳- استراتژی حل مشکل، یعنی هر دو سو تلاش می کنند تا منافع ملی را بر منافع مقدم شمارند و منافع خود را از راههای سالمات آمیز با منافع رقیب انطباق دهند.

انتخاب گزینه های ۱ و ۲ یعنی ایجاد موقعیت برد برای من و باخت برای توست، اما انتخاب گزینه سوم به معنای دستیابی به نتیجه برد-برد برای هر دو سو است. زامله را شایسته کسی است که به مردم اجازه می دهد اولویت های خود را تعیین کنند و حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مدنی خود را ارتقاء بخشد. رقابت برای دستیابی به منابع کمیاب قدرت و ثروت، آنهم وقتی که گروه های حاکم و مسلط از تامین کافی و گاه حریصانه و مفسدانه این نیازها برخوردارند و گروه های غیر حاکم از محرومیت رنج می برند. البته این فقط ما نیستیم که از می دهان تنها احزابی که از امتیازات محرومند بلکه گروه های احزابی که امتیازات را منحصر بخود می دانند نیز هماره در معرض خطر بوده و چون می دانند که از قدرت بی رقیب و حریف خود به زیان دیگران سوء استفاده خواهد آمد حتی خود را آسیب پذیرتر از احزاب محروم شده از امتیازات تصور می کنند. آنها فکر می کنند زمانیکه قدرت خود را از دست بدهند با انتقام اکثریت ناراضی روبرو خواهند شد. جبهه ملی ایران برای معماری سیاسی مورد نیاز جامعه امروز ایران آمادگی دارد و معتقد است که با وجود لطمه های شدیدی که بر اثر تداوم سلطه بر جامعه وارد گشته، با ایجاد تغییرات اساسی و بها دادن به خواست و نظر و رای ملت و استقرار حاکمیت ملی و برقراری یک سیستم پارلمانی آزاد و برکنار از ضوابط مغایر با اصول آزادی انتخابات چون نظارت استصوابی و سپردن حق تعیین سرنوشت به ملت، می توان کشور را از شرایط بحرانی نجات داد.

برای ما قدیمتر های جبهه ملی که سخت ترین تجربیات سیاسی قابل تصور نظیر کودتا، زندان، شکنجه، انقلاب و ترور باران و همراهان را تجربه کرده ایم، چیزی دردآورتر از این نیست که سرانجام بعد از آن همه مکافات و صدمه ای که خود و نزدیکان و آحاد ملتمان تحمل کرده ایم در جامعه ای مستبد و فاسد زندگی کنیم که رئیس جمهورش از دیکتاتوری می نالد. سال ۱۳۹۱ (۲۹ مهر) ورهبرش از مفسد (ن) که حیاتش اول آبان، ۲۵ سال از دار اوینخت و بر جرقه نقلی افراشتن غلغی و مدام مفسدین فی الارض و محاربین با خدا.

خدا می داند، هنوز برای فرزندانمان که اغلب می پرسند یا نه آن همه مکافات چه دستاوردی داشته ایم که دست از تلاش بر نمی دارید؟ پاسخ قانع کننده ای نداریم ولی تجربه به ما آموخته که نه آمریکا چاره درد است و نه فراریان ایرانی تبار مقیم آن دیار. اما هشدار می دهیم که جوان ها تجربه ما را با گوشت و استخوان بدنشان لمس نکرده اند تا در عمیق ترین زوایای ذهنشان حک شده باشد. پیام جبهه ملی نیز به صورت زیرکسی و زیرزمینی توان مقابله با امواج ماهواره ها را ندارد. تبعیض های سیاسی امروز و سرکوب و سرکوب شده دیروز، نظیر قتل های زنجیری ای و حملات وحشیانه به دانشگاه ها و... فقط می تواند میراثی ماندگار را از طین خشونت و درگیری بجای بگذارد و به چنان خصوصیتی تبدیل شود که برای نسل ها باقی بماند. "جان لاد" فیلسوف انگلیسی عقیده داشت: "سیاستمداران به طور باقوه جانوران ذهنیه ای هستند که از کاربرد خودسراشته قدرت در جهت منافع خصوصی خویش ابائی ندارند و تنها از طریق تعبیه نهادهای و موانع غیبی و نظارت مستمر می توان آنها را مهار کرد." هم اکنون فهم و ارزیابی اهداف و مقاصد حاکمیت برای اغلب مردم دشوار شده و باور عمومی را نسبت به صداقت آنچه که می شنوند به شدت کاهش داده و ما را به سوق دادن جامعه به یک دور باطل دیگر عمیقاً نگران کرده است. خاطرات و یادآوری بی رحمی ها، اگر سریعاً مرحوم نشوند، تنها منجر به بروز زخم های عمیق و ماندنی و خصوصت پایدار بین حاکمیت و مردم می شود. تا زمانی که مردم به طور مستمر خودی و غیر خودی را محسوس می بینند، درک سننهای فرهنگی و دینی، بویژه برای نسل جوان، هر روز دشوارتر از روز پیش می شود و زبان و کلام خودیهای اینک فاسد شده معانات تر از همیشه، جوانان از وجود اختلافاتی بین خود و خودیهای آگاه می شوند که با رقابت سالم، مانع امنیت فرد و گروه و حتی ممانع بیشتر به تداوم زندگی ایشان می باشد. تبعیض سیستماتیک و آشکار دربر خود دارای از حقوق سیاسی، امروز بصورت بزرگترین مانع برای فراموش کردن اشتباهات گذشته حاکمیت ایران بروز کرده است. اصالت برابری در معنای بنیادین خود بدین معنی است که همه انسانها به حکم انسانیت خود برابرند و بر یکدیگر برتری ندارند. امروز یک رهبری متعادل

پیک خراسان

تندیس کاوه آهنگر

در حالیکه مسئولان رده بالای نظام از آشفستگی اجتماعی و برخی دیگر از فروپاشی های اجتماعی خبر می دهند و رئیس سازمان ملی جوانان از برهان در حوزه جوانان، بویژه دختران جوان، یاد میکنند، وزیر کار از بیکاری گسترده جوانان نگران است و خلاصه نویسنده شان در روشن فرسان مذهبی از شکاف ارزشی در جامعه خبر میدهند، امام جمعه موقت تهران در نماز جمعه می گوید "اگر مجسمه کاوه آهنگر در اصفهان خراب نشود، در آینده پایگاه ضدانقلاب خواهد شد." کیانیدن لیدروران نظام، آنان که می خواستند مدینه فاضله اسلامی بسازند که ام القراء کشورهای اسلامی باشد؟ پس از ۲۳ سال، سران محافظه کار نظام از وجود تندیس کاوه آهنگر وحشت دارند. مبادا در آینده معترضان به نحوه اداره کشور، با بقول ایشان ضد انقلاب، محل این مجسمه را پایگاه دادخواهی خود قرار دهند. رسیدن به چنین شرایطی را باید به سران نظام تبریک گفت. بجای توجه و رسیدگی به مشکلات مردم، ایشان نشسته شده مردم، آتش زدن تندیس کاوه آهنگر، آن نماد خیزش و پایداری ایرانی در طول تاریخ را تجویز می نمایند، بجای حل معضلات و مشکلات مردم که گروه های ای های قانونی را بر هم می زنند، و بجای گوش دادن به انتقادات، روزنامه ها بسته میشوند. اخبار را سانسور میکنند، شایعات به میدان می آید، سردرگمی بحلدی رسیده است که فکر می کنند با جرمه تندیس کاوه آهنگر متنفذات و اعتراض کنندگان جایی برای گروه های و بجایگاهی اعتراض نخواهند داشت. می خواهند با پاک کردن صورت مسئله، مسائل و دشواری های کشور حل شده جلوه نمایند.